



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دکتر علی شریعتی

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد

گروه آموزشی تاریخ

گرایش تاریخ ایران اسلامی

آموزش در ایران در قرن نهم هجری (تیموریان و ترکمانان)

استاد راهنما:

دکتر جواد عباسی

استاد مشاور:

دکتر هادی وکیلی

نگارش:

مریم ذرنوخی

زمستان ۱۳۹۰

سپاسگزاری

بر خود لازم می‌دانم از عزیزانی که در این مسیر با راهنمایی و حمایت‌های خود مرا یاری نمودند، سپاسگزاری کنم. از استاد گرانقدر راهنما، جناب آقای دکتر جواد عباسی که از راهنمایی‌های محققانه و دلسوزانه ایشان برای انجام این پژوهش بسیار بهره بردم و همچنین از استاد مشاور محترم، جناب آقای دکتر هادی وکیلی که با دقت نظر مرا راهنمایی نمودند، سپاسگزارم. از استاد محترم داور خانم دکتر بشری دلریش که با حوصله و دقت نظر اشکالات کار را یادآوری نمودند، نیز متشکرم.

همچنین از تمامی اعضای خانواده عزیزم که در این راه حامی من بودند و رنج آن را به جان خریدند تشکر و قدردانی می‌نمایم. از کلیه دوستان و همکارانم که با تشویق و حمایت و ارائه نظریات سودمند خود مرا در انجام این امر یاری دادند کمال تشکر را دارم.

مراتب تشکر خود را به کارکنان کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، کتابخانه دانشکده الهیات و کتابخانه مرکزی دانشگاه فردوسی مشهد، کتابخانه آستان قدس رضوی و کتابخانه شهید مطهری شهرستان گناباد که مرا در تهیه و تدوین این پژوهش یاری دادند، تقدیم می‌دارم.

چکیده

در سرزمینی چون ایران با پیشینه درخشان علمی و فرهنگی، به‌طور طبیعی موضوع «آموزش» یا در معنای عام‌تر آن «تعلیم و تربیت» از قدمت زیادی برخوردار است. در واقع بخش مهمی از انتقال، پایداری و پیشرفت فرهنگ و تمدن ایرانی نتیجه وجود برنامه‌ها و تشکیلات آموزشی اعم از رسمی یا غیررسمی بوده‌است. با این‌حال موضوع آموزش هم مانند دیگر عرصه‌های حیات اجتماعی جامعه ایرانی در گذر زمان وضعیت یکسان و ثابتی نداشته‌است و از عوامل مختلفی چون تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی تأثیر پذیرفته‌است. یکی از این دوره‌های تحول، دوران پس از حمله و سلطه مغولان بر ایران است که با ویرانگری و انحطاط در عرصه‌های مختلف آغاز شد و با تلاش همیشگی عنصر و میراث ایرانی برای بازیابی و بازسازی هویت خود ادامه یافت. این تلاش از جمله با فعالیت‌هایی در زمینه آموزش و نهادهای آموزشی همراه بود. در حالی که جامعه ایرانی در چنین شرایطی به‌سر می‌برد، با حملات تیمور و حاکمیت خاندان تیموری بر ایران، موج تازه‌ای از تحولات از راه رسید که تا پایان قرن نهم هجری با ظهور و حاکمیت خاندان‌های ترکمان (قراقویونلو و آق‌قویونلو) مقارن شد. بدین‌ترتیب بازشناسی تأثیر شرایط به‌وجود آمده در دوره تیموری بر وضع جامعه ایرانی و از جمله موضوع آموزش ضروری می‌نماید. براساس چنین فرضی پژوهش حاضر برآن است تا با گردآوری اخبار موجود در منابع و تحقیقات تاریخی و تجزیه و تحلیل آنها، مسائل مختلف مرتبط با موضوع آموزش شامل میزان توجه حاکمان به آن، چگونگی و کیفیت امر آموزش، نهادها و مؤسسات آموزشی، مواد و متون آموزشی در دوره حکومت تیموریان و ترکمانان را مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: تیموریان، ترکمانان، آموزش، متون درسی، تدریس، مراکز آموزشی، علم

فهرست مطالب

| عنوان | صفحه |
|-------------------------------------------------|------|
| مقدمه | ۸ |
| فصل یکم: مقدمات تاریخی | ۱۷ |
| الف- وضع آموزش در ایران پیش از عهد تیموری | ۱۸ |
| ب- اوضاع سیاسی- اجتماعی عصر تیموریان و ترکمانان | ۲۴ |
| فصل دوم: رابطه فرمانروایان با آموزش | ۳۳ |
| تیمور | ۳۴ |
| شاهرخ و فرزندانش | ۳۷ |
| سلطان ابوسعید | ۴۲ |
| سلطان حسین بایقرا | ۴۴ |
| سایر تیموریان | ۴۶ |
| قراقویونلوها | ۴۷ |
| آق قویونلوها | ۴۸ |
| فصل سوم: مراکز علمی- آموزشی | ۵۱ |
| الف- مدارس | ۵۳ |
| مدارس خراسان | ۵۴ |
| مدارس هرات | ۵۵ |
| مدارس مشهد | ۶۶ |
| مدارس جام | ۷۰ |

| | |
|-----|----------------------------------------------|
| ۷۱ |سایر مدارس خراسان |
| ۷۳ |مدارس یزد |
| ۷۳ |مدارس ساخته شده در دوران قبل |
| ۷۶ |مدارس ساخته شده در عهد تیموری |
| ۷۹ |مدارس فارس |
| ۸۲ |مدارس تبریز |
| ۸۵ |مدارس کرمان |
| ۸۵ |مدارس اصفهان |
| ۸۷ |مدارس کاشان |
| ۸۸ |مدارس قم |
| ۸۹ |مدارس مناطق شمالی ایران |
| ۹۰ |مدارس سمرقند |
| ۹۰ |مدارس دوران تیمور |
| ۹۲ |مدارس پس از تیمور |
| ۹۶ |مدارس بخارا |
| ۹۷ |سایر مدارس در قلمرو تیموریان و ترکمانان |
| ۹۸ |ب- سایر مراکز آموزشی |
| ۹۸ |مساجد |
| ۱۰۰ |دارالشفاء و رصدخانه |
| ۱۰۲ |کتابخانه |
| ۱۰۳ |حَظیره‌ها |
| ۱۰۴ |دارالحدیث و دارالقرآن |

| | |
|----------------------------------------------------|-----|
| کارکردهای آموزشی خانقاه‌ها | ۱۰۵ |
| فصل چهارم: مسائل اداری و اقتصادی آموزش | ۱۱۱ |
| الف - مناصب و مشاغل مرتبط با آموزش | ۱۱۲ |
| مُدَرِّس | ۱۱۲ |
| مُعید | ۱۲۲ |
| طلبه | ۱۲۳ |
| سایر کارکنان مدرسه | ۱۲۷ |
| ب- وقف؛ مهم‌ترین پشتوانه مالی در فعالیتهای آموزشی | ۱۲۸ |
| فصل پنجم: مبانی، ارکان، شیوه‌ها و متون درسی | ۱۳۷ |
| الف- روش‌های تدریس | ۱۳۸ |
| ب- انواع و مراحل آموزش | ۱۴۱ |
| آموزش‌های خاص | ۱۴۱ |
| آموزش‌های عمومی | ۱۴۵ |
| ج- مواد و متون درسی | ۱۵۲ |
| علوم دینی | ۱۵۳ |
| علوم عقلی | ۱۵۸ |
| علوم ادبی | ۱۶۵ |
| فصل ششم: پیشگامان علم و آموزش | ۱۶۹ |
| مولانا سعدالدین تفتازانی | ۱۷۰ |
| میرسید شریف جرجانی | ۱۷۱ |
| غیاث‌الدین جمشید کاشانی | ۱۷۱ |
| کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی | ۱۷۳ |

| | |
|-----|-------------------------------------------------------------|
| ۱۷۴ | مولانا عبدالرحمن جامی |
| ۱۷۵ | امیرعلیشیر نوایی |
| ۱۷۶ | مولانا جلال‌الدین دوانی |
| ۱۷۷ | فضل‌الله روزبهان خنجی |
| ۱۷۸ | نتیجه |
| ۱۸۱ | ضمایم |
| ۱۸۲ | مسافرت و مهاجرت برای تحصیل علم |
| ۱۸۵ | تحصیلات در خارج از ایران و حضور غیر ایرانیان در ایران |
| ۱۸۵ | دانشجویان غیر ایرانی در ایران |
| ۱۸۹ | دانشجویان ایرانی در خارج از کشور |
| ۱۹۲ | تصاویر مدارس |
| ۱۹۳ | منابع |

مقدمه

آموزش از دیرباز در ایران به دلیل ارتباط با تفکر و اندیشه اهمیت خاصی داشته‌است. به عبارتی یادگیری و پرورش و یاد دادن و پروراندن جسم و جان نقشی بسزا در جامعه ایرانی داشته‌است. شناخت و درک درست از ابعاد اندیشه و رفتار فکری و فرهنگی پیشینیان در شیوه‌های دانش‌اندوزی وسیله‌ای برای شناخت پایه‌های فرهنگ و تمدن امروزی می‌باشد. در طول تاریخ ایران، آموزش تحت تأثیر تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فراز و نشیب‌هایی را پشت سر گذاشته‌است. حمله مغول که ویرانی مؤسسات آموزشی، نابودی آثار علمی و ناامنی اجتماعی برای دانشمندان را به دنبال داشت، آموزش را با رکودی جدی مواجه ساخت. در دوره ایلخانان جنبشی برای احیای آموزش و دانش شکل گرفت اما موقتی بود و با زوال ایلخانان و شروع دوباره رقابت‌های سیاسی، ایجاد یک ساختار منسجم آموزشی میسر نگشت. با تشکیل حکومت تیموریان و به دنبال آن پیدایش دو حکومت محلی قراقویونلو و آق‌قویونلو در غرب ایران دوره‌ای در تاریخ ایران آغاز شد که علی‌رغم درگیری‌های سیاسی و نظامی، نوعی رویکرد خاص به مسائل فرهنگی در آن مشاهده می‌شود. در این دوره که با ظهور تیموریان در اوایل قرن نهم آغاز و با سقوط ترکمانان و تشکیل حکومت صفویه در اوایل قرن دهم پایان می‌یابد، در عرصه آموزش و شیوه‌های علم‌آموزی کنکاش جدی صورت نگرفته‌است. بر اساس چنین ضرورتی است که این پژوهش سعی دارد وضعیت آموزش در ایران، شیوه‌های آموزشی، مسائل اداری و اقتصادی آموزش و شخصیت‌های تأثیرگذار در امر آموزش را بررسی کند. به طور مشخص این پژوهش برآن است تا به سؤالات زیر پاسخ گوید:

- ظهور تیمور و تحولات سیاسی - نظامی پس از آن چه تأثیراتی بر آموزش به جا گذاشت؟
- مهم‌ترین مراکز آموزشی این دوران و وضعیت آموزشی آن‌ها چگونه بود؟
- مواد درسی و مهم‌ترین کتب اصلی آموزشی این دوره چه بود؟
- ساختار اداری و اقتصادی آموزش چگونه بود؟
- پیشگامان علم و آموزش در این دوره چه کسانی بودند؟

در ابتدا برای این سؤالات فرضیه‌هایی ارائه شد. نخست اینکه در سایه رفاه و آرامش نسبی به‌خصوص از روزگار جانشینان تیمور گرایش به دانش و آموزش در ایران افزایش یافت. در مورد سؤال دوم فرض براین است که مدارس مهمترین مراکز و در کنار آن‌ها مساجد و خانقاه‌ها در شمار مراکز آموزشی بودند. فرض سوم این است که تغییر محسوسی در مواد درسی نسبت به دوره‌های پیش ایجاد نشد و با توجه به نقش دین در جامعه ایرانی علوم دینی جلوه بارزتری در مراکز آموزشی داشتند. فرض چهارم این است که ساختار منظم و مشخصی در زمینه آموزش وجود نداشته و نهادهای مردمی و گاه دولتی در این امر دخیل بوده‌اند. بالاخره آنکه دانشمندان بزرگی در این دوره، گذشته از تحقیقات و پژوهش‌های علمی وارد عرصه آموزش شده و پیشگام و مشوق آموزش بوده‌اند.

در این پژوهش تاریخی سعی شده با روش تحقیق کتابخانه‌ای و جمع‌آوری اطلاعات از طریق مراجعه به منابع چاپی و اسناد و مکاتبات تاریخی و پژوهش‌های موجود و جمع‌بندی و تحلیل این اطلاعات پاسخی مستند به سؤالات یاد شده داده شود و فرضیه‌ها مورد ارزیابی قرار گیرند. در مورد سابقه و پیشینه پژوهش باید گفت اگرچه کتب مختلفی در مورد تاریخ آموزش و پرورش در ایران نوشته شده اما تاکنون وضعیت آموزشی ایران در عهد تیموریان و ترکمانان مورد مطالعه مستقلی قرار نگرفته‌است. اغلب مورخان و پژوهشگران به بررسی وضعیت آموزشی ایران در دوره پیش از آن، یعنی دوره مغول و دوره پس از آن یعنی، صفویه پرداخته‌اند و از پرداختن به مسائل آموزشی این دوره غفلت ورزیده‌اند. در فصل هفتم تاریخ ایران کمبریج، ای.اس. کندی، به بررسی علوم دقیقه در دوره تیموری از جهت یافته‌های علمی پرداخته، اما به آموزش این علوم اشاره‌ای نکرده‌است. جلد چهارم تاریخ ادبیات صفا نیز بحث مفصلی درباره مواد و متون درسی دارد که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌است. این کتاب ارزیابی وسیعی در مورد محتوا و کیفیت متون درسی قرن نهم و معرفی آن‌ها دارد. کتاب تاریخ آموزش و پرورش در روزگار فرمانروایی مغولان و تیموریان اثر امیر نعمتی لیمایی از جدیدترین پژوهش‌هایی است که در این حوزه صورت گرفته‌است. از آنجایی که این پژوهش حدود سه قرن از تاریخ ایران را شامل می‌شود در آن به صورت جزئی و متمرکز به مسائل مربوط به قرن نهم توجه نشده و کلیات علم،

دانش و فرهنگ از دوره مغول تا تیموری ارائه شده است. از طرفی مسائل اداری و اقتصادی آموزش مورد غفلت واقع شده و بیشترین تأکید بر مراکز آموزشی دوره مغول و چند مرکز معروف شرق ایران در قرن نهم است. در کتابخانه آستان قدس رضوی یک پایان نامه کارشناسی ارشد پیرامون آموزش و پرورش دوره تیموری با عنوان «تاریخ آموزش و پرورش در ایران دوره تیموریان» از محمد طالبیان (دانشگاه آزاد اسلامی: ۱۳۷۷) موجود است. در پیوند با رساله حاضر یکی از کمبودهای این پژوهش، تأکید و پرداختن مفصل به مباحث سیاسی و اجتماعی و فرهنگی در قرن هفتم و هشتم و اختلاط مباحث علمی، فرهنگی و آموزشی قرن نهم است. مراکز آموزشی هم فقط در دو شهر سمرقند و هرات به طور محدود بررسی شده اند. اگر هم در این پژوهش به مسائل آموزشی پرداخته شده، بیشتر به صورت کلی و با ارجاع به تحقیقات و کتب تاریخ آموزش و پرورش صورت گرفته است.

مهم ترین مشکل برای شناخت وضعیت آموزش در ایران در این دوره کمبود و پراکندگی اطلاعات در منابع تاریخی است. این مسئله به خصوص در مورد دو سلسله قراقویونلو و آق قویونلو نمایان تر است. در واقع منابع این دوره بیش از هر چیز تمرکز خود را بر وقایع نگاری حوادث و رخداد های سیاسی معطوف کرده اند. بنابراین اطلاعات ما در مورد زندگی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مردم بسیار اندک است. البته این معضل مطالعات تاریخی با رویکرد فرهنگی و اجتماعی در تمام ادوار تاریخ ایران است. تقریباً هیچ اثری در مورد وضعیت عمومی آموزش در بین مردم وجود ندارد. منابع سفرنامه ای نیز که اطلاعاتی غنی از وضعیت اجتماعی جامعه ارائه می دهند در این دوره وجود ندارد. بنابراین سعی شد با استفاده از همین اطلاعات اندک و پراکنده تا حد توان به بازسازی وضعیت آموزش قرن نهم پرداخته شود. مشکل دیگر اختلاط مباحث آموزشی با بحث های علمی و مکتب های تربیتی این دوره است که در قالب تصوف فعالیت می کردند. مسئله ای که اکثر پژوهش های این دوره را تحت الشعاع قرار داده است. بنابراین سعی شد حتی الامکان کلیه موضوعات علمی، فرهنگی و مکاتب فکری و صوفیانه قرن نهم از نظر رویکردهای آموزشی آنان مورد توجه قرار بگیرند. نکته دیگر این که تهیه فهرستی جامع از

مؤسسات آموزشی با توجه به کمبود اطلاعات امری مشکل بود که سعی شد بر اساس اطلاعات پراکنده در منابع این کار صورت گیرد.

این پژوهش از یک مقدمه و شش فصل تشکیل شده است. در فصل اول به وضع آموزش در ایران از دوره باستان تا دوره تیموری پرداخته شده است. در ادامه اوضاع سیاسی ایران از زمان به قدرت رسیدن تیمور در سال ۷۷۱ه.ق، و سپس برآمدن قراقویونلوها و آق‌قویونلوها تا زمان تشکیل حکومت صفوی مورد توجه قرار گرفته است. در فصل دوم رابطه فرمانروایان تیموری، قراقویونلو و آق‌قویونلو با آموزش مورد توجه بوده است. البته در مورد دو حکومت ترکمان اطلاعات اندک و پراکنده‌ای به دست آمده است. در فصل سوم با عنوان مراکز آموزشی، مهم‌ترین مراکز آموزشی شامل مدارس، مساجد، و خانقاه‌ها و سایر مراکز آموزشی که در این عهد فعال بودند، مورد بحث قرار گرفته است. هرچند کمبود اطلاعات تاریخی موجب شده تا از در اختیار داشتن فهرست کاملی از مدارس ایران و سرنوشت آن‌ها محروم بمانیم، اما آنچه در این جا ارائه شده دست کم یک فهرست و آشنایی اولیه ارائه می‌دهد. با توجه به تعداد زیاد مدارس و مراکز آموزشی، این فصل از حجم بیشتری نسبت به سایر فصول برخوردار است. فصل چهارم با عنوان مسائل اداری و اقتصادی آموزش، به مهم‌ترین مناصب مرتبط با آموزش و چگونگی تأمین هزینه‌های آموزشی بر اساس چند وقف‌نامه و فرمان‌های به‌جامانده پرداخته شده است. فصل پنجم به بررسی شیوه‌ها و مراحل آموزش و مهم‌ترین مواد درسی و متون مرتبط با آن اختصاص دارد. در فصل ششم تعدادی از دانشمندان قرن نهم از جنبه ارتباط آنان با آموزش معرفی شده‌اند.

منابع مورد استفاده در این پژوهش را می‌توان به طور کلی به صورت زیر تقسیم‌بندی نمود:

الف) تاریخ‌های عمومی: این منابع تاریخ بشر را از آغاز خلقت تا عصر مؤلف شامل می‌شود. تاریخ **روضه‌الصفاء** اثر میرمحمد سید برهان‌الدین خاوندشاه مشهور به میرخواند از جمله تاریخ‌های عمومی است. محتوای روضه‌الصفاء برای فهم رویدادهای قرن ۸ و ۹ هجری قمری دارای ارزش بسیاری است. این کتاب در هفت مجلد نوشته شده و جلد ۶ و ۷ شامل تاریخ ایران از حمله تیمور تا به قدرت رسیدن شاه اسماعیل صفوی می‌شود. در لابلای مباحث این کتاب

می‌توان به اطلاعاتی در مورد دانشمندان و تحصیلات آنان در عصر تیموری دست یافت. **تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر** خواندمیر نیز که مشتمل بر حوادث عالم از ابتدا تا سال ۹۳۰ ه.ق، است در بردارنده اطلاعات سودمندی درباره دوره مورد بحث در پژوهش حاضر است و از آنجا که به بررسی شخصیت‌های این دوره پرداخته از خلال آن اطلاعاتی ارزشمند درباره تحصیلات آنان و مدارس این دوره به خصوص در هرات به دست می‌آید. یکی دیگر از منابع تاریخ عمومی مربوط به وقایع این دوره، **مجموعه فصیحی** نوشته فصیحی خوافی است که به شیوه سالنامه‌نگاری نوشته شده است. محتوای آن برای شناخت برخی دانشمندان و مدارس قرن نهم دارای ارزش و اعتبار است. تاریخ عمومی دیگر **زبده‌التواریخ** است که در سال ۸۲۸ ه.ق، توسط حافظ ابرو به نام بایسنغمیرزا فرزند شاهرخ تیموری تألیف گردیده است. از این کتاب اطلاعاتی در مورد مدارس و مسائل آموزشی به ویژه درباره دوره شاهرخ تیموری به دست می‌آید. دیگر تاریخ عمومی مورد استفاده، **منتخب‌التواریخ معینی** اثر معین‌الدین نطنزی مورخ و شاعر سده‌ی هشتم و نهم می‌باشد. این کتاب در ابتدا به نام میرزا اسکندر پسر عمرشیخ نوشته شد و نگارش آن در ۸۱۶ ه.ق، به پایان رسید و وقایع را تا پس از مرگ تیمور آورده است. کتاب پس از تجدیدنظر در سال ۸۱۷ ه.ق، به شاهرخ تقدیم شد. این کتاب حاوی اطلاعات سودمندی درباره نگرش آموزشی تیمور است. **تاریخ الفی** اثر قاضی احمد تتوی و آصف‌خان قزوینی تاریخ عمومی دیگری است که به شرح تاریخ ایران و کشورهای همسایه در سال‌های ۸۵۰ ه.ق، تا ۹۸۴ ه.ق، پرداخته است. از لابلای این اثر نیز نکات آموزشی سودمندی به دست آمده است. حسن‌بیگ روملو در کتاب **احسن‌التواریخ** به شرح تاریخ ایران و برخی مناطق مجاور از جمله عثمانی، ماوراءالنهر و ترکستان از سال ۸۰۷ ه.ق، تا سال ۹۸۵ ه.ق، است. بخش چاپ شده این کتاب وقایع تاریخی از آغاز پادشاهی شاهرخ در سال ۸۰۷ ه.ق، آغاز می‌کند و به شرح حکومت‌های تیموریان، عثمانی، قراقویونلو، آق‌قویونلو، صفویان و ازبکان تا سال ۹۸۵ ه.ق، می‌پردازد. در مجموع تاریخ‌های عمومی در لابلای بیان حوادث سیاسی و احوالات رجال سیاسی اشاراتی ولو پراکنده به مسائل آموزشی دارند.

ب) تاریخ‌های سلسله‌ای و دوره‌ای: مهم‌ترین تاریخ‌های سلسله‌ای که در این رساله مورد استفاده قرار گرفت *ظفرنامه شامی* و *ظفرنامه یزدی* می‌باشد. شامی به درخواست تیمور از سال ۸۰۴ ه.ق، به ثبت جهانگشایی‌های وی پرداخته‌است. مؤلف از نزدیک شاهد وقایع و حوادث بوده‌است اطلاعات دقیق‌تری راجع به اقدامات آموزشی تیمور و شاهرخ به دست می‌دهد. مشهورترین اثر شرف‌الدین یزدی کتاب *ظفرنامه* است که به دستور ابراهیم میرزا در سال ۸۲۸ ه.ق، در شیراز شروع به نوشتن آن کرد و چهارسال به نگارش مقاله اول آن که به زندگی تیمور اختصاص دارد مشغول بود. این اثر نیز در مورد مسائل آموزشی اوایل عهد تیموری مفید است. *مطلع سعدین و مجمع بحرین* اثر کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی از دیگر کتاب‌هایی است که به شرح دوره پایانی عصر ایلخانی تا بخشی از دوره تیموری پرداخته‌است. وقایع تاریخی مطلع سعدین از سال ۷۰۴ ه.ق، یعنی تولد سلطان ابوسعید ایلخانی آغاز و با رویدادهای مربوط به عصر سلطان ابوسعید تیموری در سال ۸۷۵ ه.ق، پایان می‌یابد. این کتاب در شناخت مدارس سمرقند و هرات و مباحثات علمی این دوره کمک شایانی می‌نماید. *عالم‌آرای امینی* تألیف روزبهان خنجی است که یکی از منابع مهم دوره آق‌قویونلوها می‌باشد و اطلاعات مفیدی در مورد سلطان یعقوب در اختیار خواننده قرار می‌دهد. *تاریخ دیار بکر* نوشته ابوبکر طهرانی تنها کتاب مستقل درباره ترکمانان می‌باشد که در این رساله مورد استفاده قرار گرفته‌است.

ج) تاریخ‌های محلی: این منابع گاه اطلاعات دقیق و جزئی‌تری از سایر منابع پیرامون مسائل آموزشی و مدارس به دست می‌دهند. از تاریخ‌های محلی این دوره می‌توان به *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات* اثر معین‌الدین محمد زمچی اسفرازی اشاره کرد. *تاریخ یزد* نوشته جعفری، *تاریخ جدید یزد* اثر کاتب یزدی نیز از این گروهند. *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات* کتابی درباره‌ی شهر هرات از معین‌الدین محمد اسفرازی است. مؤلف این کتاب را در سال ۹-۸۹۷ ه.ق، تألیف کرده و به سلطان حسین بایقرا تقدیم کرده‌است. این کتاب که تاریخی از شهر هرات است وقایع را تا سال ۸۷۵ ه.ق، ذکر کرده‌است و در ۲۶ روزه فصل‌بندی شده‌است و در آن اطلاعاتی در مورد مدارس، مباحثات علمی و مسائل آموزشی هرات وجود دارد. بخش آخر

کتاب از این نظر که منحصر به دیده‌ها و شنیده‌های مورخ است و روش نگارش کتاب نیز یکی از بهترین و روان‌ترین نمونه‌های نثر فارسی در قرن نهم می‌باشد، اهمیت دارد. اطلاعات جالبی نیز درباره رجال خراسان و هرات در ضمن مطالب کتاب آمده‌است. **تاریخ جدید یزد** کتابی درباره‌ی یزد به فارسی اثر احمد بن حسین کاتب یزدی در سده‌ی نهم است. این کتاب در ایام سلطنت جهان‌شاه قراقویونلو ۸۷۲-۸۳۹ ه.ق، نوشته و وقایع را تا سال ۸۶۲ ه.ق، در بردارد. این کتاب و تاریخ یزد جعفری اطلاعات سودمندی درباره مدارس یزد در قرن نهم دارند. کتاب **مقصدالاقبال سلطانیه و مرصدالآمال خاقانیه** اثر سید اصیل‌الدین واعظ که در سال ۸۶۴ ه.ق، برای سلطان ابوسعید نگاشته شد، درباره آرامگاه‌های هرات و سرگذشت مدفونان در آن مطالبی ارائه کرده است.

د) کتب رجال و شرح حال نویسی: از دیگر منابع این دوره که اطلاعات مفیدی به دست می‌دهند کتاب‌های شرح حال و تراجم بزرگان و رجال سیاسی این دوره هستند. **تذکره الشعرا** اثر دولتشاه بن علاءالدوله سمرقندی از امیرزادگان و رجال خراسان، به نام امیرعلیشیرنوایی در سال ۸۹۶ ه.ق، تألیف شده‌است. سمرقندی به زندگی‌نامه‌ی ۱۳۵ تن از شاعران مشهور ایران پرداخته‌است. او در ضمن سرگذشت رجال سیاسی از تحصیلات و مدارس و سایر مسائل آموزشی مربوط به آنان اطلاعاتی ارائه می‌کند. **مجالس النفایس** اثر امیرعلیشیر نوایی تألیف سال ۸۹۶ ه.ق، نیز ضمن بیان سرگذشت شاعران و علمای این دوره از تدریس و تحصیل آنان مسائلی را مطرح می‌کند. اهمیت کتاب در این است که نویسنده خود از عالمان و حامیان علم و دانش است. یکی دیگر از تذکره‌های مورد استفاده در این پژوهش **دستورالوزرا** اثر خواندمیر است که زندگی‌نامه وزیران از پیش از اسلام تا سال ۹۱۴ ه.ق، را در برمی‌گیرد. این کتاب دارای اطلاعات مفیدی در مورد اقدامات آموزشی وزیران تیموری می‌باشد. **مکارم‌الاخلاق** اثر دیگری از خواندمیر است که در شرح احوال و زندگانی امیرعلیشیر نوایی نوشته شده‌است. از این کتاب نکاتی راجع به مدارس هرات در اواخر عهد تیموری به دست می‌آید. یکی دیگر از کتب رجال، **رشحات عین‌الحیات** اثر فخرالدین علی بن حسین واعظ کاشفی است که در سال ۹۰۹ ه.ق، در ذکر مناقب

خواجه عبيدالله احرار از مشايخ نقشبنديه تاليف شده است. از اين كتاب اطلاعات سودمندی در مورد بسياری از شخصيت‌ها و رويکرد متصوفه به آموزش به دست می‌آيد. *نفحات الانس من حضرات القدس* اثر نورالدين عبدالرحمن جامی زندگي نامه مشايخ تعدادی از فرقه‌ها است که در فاصله سال‌های ۸۸۳-۸۸۱ ه.ق نگاشته شد. اين کتاب حواشی با نام *تكملة* اثر رضی‌الدین عبدالغفور لاری دارد که اطلاعاتی در مورد استاد خود جامی ارائه نموده است. *روضات الجنان و جنات الجنان* اثر حافظ حسين کربلايي تبريزی در سال ۹۹۰ ه.ق دربار مقابر تبريز نوشته شده اما حاوی سرگذشت‌نامه‌های مفصلي درباره رجال تبريز است و در اين بين اطلاعاتی از چگونگی تحصيل و اساتيد آنان ارائه می‌نماید.

ه) *منشآت و مکاتبات*: اين گروه از منابع شامل مجموعه نامه‌های ديوانی، درباری و دوستانه و عارفانه می‌باشند که حاوی اطلاعات ارزشمند و منحصر به فردی از اوضاع فرهنگي-آموزشی دوره مورد بحث هستند. یکی از مهم‌ترین کتاب‌های اين گروه *منشاء الانشاء* است. اين اثر از مجموعه منشآت است که در قرن نهم تدوين شده است، مؤلف آن ابوالقاسم شهاب‌الدین احمد خوافي از منشیان دربار سلطان حسين بايقرا بوده، وی منشآت استادش نظام‌الدین عبدالواسع نظامی را که مدت‌ها ریاست ديوان ترسل چند پادشاه و شاهزاده‌ی عهد تیموری را بر عهده داشته، به خواسته‌ی اميربيک تدوين کرده و نامش را «منشأ الانشاء» گذاشته است. اين کتاب منعکس‌کننده بسياری از مسائل اجتماعی و سياسی اين دوره است. بخشی از اطلاعات ما درباره چگونگی انتخاب مدرسان و ویژگی‌های آنان از فرمان‌هایی که در اين کتاب موجود است، به دست آمده است. اثر ديگر از اين دست *فرائد غياثی فی رسائل السلاطين مع الملوک و الوزراء* اثر جلال‌الدین يوسف اهل، از منشیان و ادیبان قرن نهم است که در خراسان سکونت داشته و به خاندان شيخ احمد جام منتسب بوده است. در مجموعه فرائد غياثی، مراسلاتی به قلم ۲۰۰ نویسنده که در بلاد مختلف و قرون متفاوت می‌زیسته‌اند، گرد آمده است. کتاب حاوی بیش از ۶۵۰ نامه ديوانی و درباری، دوستانه و عارفانه از دانشمندان، فرمانروایان، وزیران، امیران و شاعران از سده دوم تا نهم هجری است.

و) آثار ادبی: این مجموعه با به تصویر کشیدن اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی عصر خود به صورت منظوم، اطلاعات تاریخی با ارزشی به دست می‌دهند. از آن جمله می‌توان به آثار جامی مانند *مثنوی هفت‌اورنگ* اشاره کرد که مشتمل بر هفت مثنوی نکاتی در مورد علوم این دوره، کتاب‌ها و نظریات آموزشی جامی مورد استفاده این پژوهش قرار گرفته‌است. *مقامات جامی* تألیف عبدالواسع نظامی باخزری درباره وضعیت علمی هرات و تحصیلات بسیاری از علما اطلاعات جالبی ارائه می‌دهد.

ز) *اندرزنامه‌ها*: نویسندگان این گونه کتب ضمن توصیه‌های اخلاقی به مخاطبان خود اطلاعات سودمندی درباره مسائل آموزشی به دست می‌دهند. *سلوک الملوک* اثر فضل‌الله بن روزبهان خنجی در پاسخ استفتایی که از مؤلف در باب طرز حکومت و مملکت‌داری بر اساس تطبیق احکام سلطنت با موازین فقهی، صورت گرفته، نگارش یافته‌است. کتاب حاوی نکاتی در مورد مسائل اداری آموزش و مدرسان و شرایط آن‌ها است. *انیس الناس* اثر شجاع است که آن را در ۸۳۰ ه.ق، به نام ابراهیم سلطان تیموری تألیف کرده‌است. این کتاب نیز حاوی نکات تربیتی و وضعیت طلاب و برخی مدارس فارس می‌باشد. *بهارستان* اثر عبدالرحمن جامی که به تقلید از گلستان سعدی و خطاب به فرزندش ضیاءالدین یوسف نگاشته شده اطلاعاتی در مورد علم‌آموزی و شیوه‌های تربیتی ارائه می‌کند.

ح) *متون درسی*: این کتب که به طور مستقیم، در ارتباط با آموزش نوشته شده‌اند، اطلاعاتی درباره مواد و محتوای درسی ارائه می‌نمایند. *تهذیب المنطق* اثر سعدالدین تفتازانی از کتب درسی منطق، *فصوص الحکم* ابن عربی و *جواهرالتفسیر* ملاحسین واعظ کاشفی از این دسته‌اند.

فصل یکم: مقدمات تاریخی

الف- وضع آموزش در ایران پیش از عهد تیموری

ب- اوضاع سیاسی- اجتماعی عصر تیموریان و ترکمانان

بررسی مسائل فرهنگی و اجتماعی بدون توجه به گذشته و مسیری که پیموده‌اند امری ناقص خواهد بود، زیرا عناصر مختلف فرهنگی همچون آموزش در مسیر زمان و در فرایندی تاریخی شکل گرفته و تکامل یافته‌اند و حتی در برخی موارد اصول و مبانی آن از تغییرات اساسی به دور مانده‌اند. از این‌رو بررسی پیشینه آموزش در ایران، برای آگاهی از وضعیت علمی و آموزشی و درک عملکرد و ساختار آموزشی در دوره مورد نظر ضروری به نظر می‌رسد.

الف- وضع آموزش در ایران پیش از عهد تیموری

با نگاهی فراگیر به پیشینه آموزش در ایران پیش از اسلام، درمی‌یابیم که با تأسیس دولت در ایران باستان از روزگار هخامنشیان تا انقراض ساسانیان عوامل مهمی چون دولت، عوامل طبیعی، جغرافیایی، اقتصادی، عقاید آریایی و آیین زرتشت و نیز دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی در امر آموزش دخالت داشته‌است. در میان ایرانیان آریایی به دلیل اعتقادات زرتشتی، نخستین ابزار آموزش، کتاب اوستا بود که در نهادهای آموزشی-عبادی که عبارت بود از خانه، آتشکده، کاخ‌های شاهان و بزرگان در تربیت افراد مورد استفاده قرار می‌گرفت. گذشته از تعلیمات دینی و اخلاقی، تربیت بدنی و ورزش‌های رزمی و در مراحل عالی‌تر تحصیلی، ادبیات، تاریخ، هیأت و موسیقی آموزش داده می‌شد. وظیفه آموزش غالباً بر عهده مغان، سپس هیربدان و روحانیون زرتشتی بود و آموزگار جایگاه والایی داشت. سن تحصیل غالباً از هفت سالگی آغاز و تا سن بلوغ یعنی پانزده سالگی ادامه داشت و شاهزادگان و بزرگان تا بیست سالگی تحت تعلیم بودند. آموزش بیشتر در انحصار موبدان و طبقات بالای جامعه بود و در این‌باره که آیا طبقات متوسط و توده مردم می‌توانستند آموزش ببینند، آگاهی اندک است (حکمت، ۱۳۵۰: ۳۶۹-۳۶۰).

پیروزی سپاهیان عرب بر لشکریان ایران به روزگار فرمانروایی یزدگرد سوم ساسانی موجب از میان رفتن حکومت واحد مرکزی ایران و زمینه‌ساز دگرگونی‌های بسیار در ساختار فکری و اجتماعی ایران شد. آیین اسلام که به امتیازهای دیرینه موبدان و بزرگان و اشراف پایان داد، زمینه ابتدایی و انگیزه جدی آموختن دانش را برای تمامی گروه‌های اجتماعی فراهم نمود، البته این

گفته را نباید به منزله برچیده شدن کامل نظام طبقاتی تلقی نمود زیرا پس از سپری شدن زمانی کوتاه و به ویژه با آغاز حکومت خاندان اموی، اختلاف طبقاتی و نژادی در جامعه اسلامی رو به فزونی نهاد. تعصب و نژادپرستی امویان سبب شد تا ایرانیان تحت فشارها و تبعیض‌های اجتماعی قرار بگیرند اما با این حال ایرانیان خدمات دیوانی و علمی زیادی انجام دادند. در این دوره آموزش و پرورش محدود به آموزش‌های دینی بود و مسجد به تدریج از نهادی عبادی مخصوص عبادت و اقامه نماز به نهادی در زمینه آموزش‌های معنوی و ادبی تبدیل شد (صدیق، ۱۳۳۶: ۳۷۴).

شیوه آموزشی، سپردن معلومات در حافظه و نقل مطالب محفوظ در سینه‌ها به صورت شفاهی بود. روش *دراسه* یعنی تکرار گفته‌های معلم و *سَماع* یعنی گوش دادن به درس استاد که بیشتر در تدریس احادیث و اخبار استعمال داشت و نیز *قرائت* که شاگردان قرآن را نزد معلم می‌خواندند رواج گرفت. خواننده قرآن و استاد قرائت که آن‌را برای شاگردان بیان می‌کرد مُقری نام داشت. کتابت یا املاء یعنی نوشتن مطالب درسی و مسائل علمی چندان استعمال نداشت و در عصر اموی محدود به دیوان‌ها و نوشتن نامه‌های سیاسی و احادیث پیامبر بود. توجه به مبانی اخلاقی و پرهیز از ناراستی، تقویت حس شجاعت و بی‌باکی و فراگیری اسب سواری و شنا و آداب جنگی بود که محتوای آموزش‌های اسلامی را تشکیل می‌داد (مجتهدی، ۱۳۷۹: ۸۰-۷۹). در واقع هدف از این آموزش شناخت حق از باطل و دستیابی به بهشت جاویدان و زندگی اخروی بود. در این دوره به جز مکتب‌خانه‌ها نهاد آموزشی دیگری وجود نداشت.

زوال امویان و روی کار آمدن عباسیان با تلاش‌های ایرانیان صورت گرفت. عباسیان ارکان خلافت خویش را با بهره‌گیری از دانش و درایت رجال سیاسی و علمی ایران استوار ساختند. همچنین به دلیل انتقال پایتخت از شام به عراق که از دیرباز سرزمین ایرانی بود، آداب و آیین‌های ایرانی پس از یک دوره فترت صد ساله حکومت امویان بار دیگر مجال خودنمایی و رشد یافت. تأسیس کتابخانه در دربار عباسیان به سبک ساسانیان، افزایش رو به رشد مساجد و کتابخانه‌ها، ترجمه فراگیر آثار علمی بیگانه به زبان عربی، تألیف کتاب‌های درسی به زبان عربی، شکل‌گیری

مذاهب اربعه اهل سنت و مذهب شیعه امامیه از جمله رویدادهای اجتماعی- علمی این دوره است (کسائی، ۱۳۸۳: ۱۷۹).

با پیدایش سلسله‌های مستقل ایرانی از آغاز سده سوم هجری اغلب شهرهای ایران از حیث رونق علمی و وجود دانشمندان، بغداد پایتخت خلافت عباسی را تحت شعاع قرار دادند. شهرهایی چون نیشابور، مرو، هرات، ری و اصفهان در زمینه آموزشی پیشگام بودند. در دوره طاهریان عبدالله طاهر که بر اشاعه دانش و همگانی شدن آموزش در بین تمامی طبقات تأکید داشت، خود با دانشمندان نشست و برخاست می‌کرد. در این دوره نقش علمی- آموزشی مساجد افزایش یافت و پس از مساجد، خانه‌های دانشمندان بیشترین نهادهای غیررسمی و خصوصی آموزشی بود که به دور از دخالت حکمرانان به تعلیم شاگردان می‌پرداختند. در این خانه‌ها انتخاب دانشجو، کتاب و رشته تحصیلی برعهده استاد بود (همان: ۲۱۵).

در این دوره زمینه برای پویایی آموزش و گسترش دامنه دانش در جای‌جای ایران فراهم شد و سبب تجدید حیات زبان فارسی و پیدایش نهادهای نوین آموزش از جمله مدرسه و دارالعلم و تأسیس کتابخانه‌های بزرگ و بیمارستان‌های مجهز و درخشش دانشمندان برجسته شد. قلمرو سامانیان در خراسان بزرگ و ماوراءالنهر خاستگاه نخستین مدارس در دنیای اسلام بوده‌است که با انگیزه‌های مذهبی انجام می‌شد. البته مدارس هم در طبرستان توسط علویان ایجاد شد. رسمی‌ترین نهادهای درمانی و آموزش پزشکی بیمارستان‌ها بودند که در تعلیمات فردی چون زکریای رازی در ماوراءالنهر و ری و بغداد نمود بیشتری یافت (غنیمه، ۱۳۶۴: ۲۰-۱۹).

از دوره سلجوقیان مدارس که قبلاً به صورت موردی و مقطعی با پشتوانه‌های شخصی ساخته شد، جای خود را به مدارس دولتی داد که توسط نظام‌الملک طوسی به صورتی فراگیر و به منظور اجرای اهداف و مقاصد دولتی بنیاد گردید که نظامیه خوانده می‌شد. پیش از نظامیه‌ها مراکز آموزشی مهمی چون جندی شاپور، بیت‌الحکمه، جامع‌الازهر مصر و مرکز علمی و درمانی عضدی در بغداد وجود داشت که هیچ‌یک از آن‌ها به معنی اصطلاحی مدرسه معروف نگردیده و برنامه‌های آن در بیشتر موارد با روش معمول در نظامیه مغایرت داشته‌است. در مدارس نظامیه که شبیه دانشگاه‌های امروزی بود، علوم مختلف توسط استادانی که از سوی نظام‌الملک و فرزندان او